



جمهوری دزدان

(گفت و گویی فلسفی و سیاسی)

قیصر خسروان (کللی)

جمهوری دزدان ۲

... انسان چیزی نیست مگر آزادی...

... نوستالوژی بزرگ انسان در

درازای تاریخ نبود آزادی است.



جمهوری دزدان ۳

سیاوش به خسرو گفت ای مغز پر باده بیا و دمی بر این گونی گندم بنشین و جام های تهی را باده بده. حیف است این انبان باده را بر سر گرفته و در دشت و کوه بچرخانی و در شهر جام ها چنین تهی باشند.

خسرو پس از این که بر یکی از گونی های گندم روبروی سیاوش نشست گفت با این ستایش تو هولی به جانم افتاد که خُرده خردم از سر پرید. اما از هر چه بگذریم هوای مینوی این آسیاب جان و خرد را می نوازد. سیاوش گفت اکنون که این چنین است بیا تا دمی درباره ی واژگان " جمهوری دزدان " که چندی پیش در میان دوستان بر زبان رانده یی سخن بگوییم.

خسرو گفت جمهوری دزدان بیش تر کنایه یی بود به روش کشور داری سران جزیره ی " فر " .

جمهوری دزدان ۴

بهزاد آسیابان گفت بدون شک سنجه‌هایی را در دل داشته‌یی که این

واژگان و این کنایه را ساخته‌یی؟

خسرو گفت آری . بدون شک .

سیاوش گفت پس آن دندان‌گرد را بکش و در میدان را بگشا و تا

ناقوس زمان خوراک نیم روز را فریاد زده است درباره‌ی جمهوری

دزدان سخن بران .

خسرو گفت باشد . بگذار سخن را از این جا آغاز کنم که جزیره‌ی فر

از جزایر کشور بزرگ و باستانی اسکاتلند است . در این جزیره‌ی

بسیار زیبا و بسیار ثروت مند چندی فرومایه که شمار آن‌ها سد و یا

اندکی بیش تر و یا کم تر است ثروت سرشار جزیره را در چنگ گرفته

اند و با این ثروت سرشار خود مردم فرومایگانی همانند خود را برای

نوکری خود و سرکوب مردم گماشته‌اند. چند ده سال است که این

◦ جمهوری دزدان

گروه سد نفره بر پست زمام داری این جزیره ی باستانی و ثروت مند چنگ انداخته اند و با دست به دست کردن پست زمام داری میان خود چهره یی دموکراتیک و جمهوری برای روش کشور داری خود آفریده اند و هر کس هم بر روش غیر جمهوری و غیر دموکراتیک آن ها ایرادی وارد آورد برخواهند آشفته و آرای مردم را به رخ خواهند کشید و چگونگی دموکراتیک بودن و جمهوری بودن روش خود را بر سر گذاشته و حلوا حلوا می کنند. اما روش زمام داری و کشور داری آن ها چیزی نیست مگر " الیگارشسی قرمساخان " .

با این سخن خسرو بهزاد قهقهه یی سر داد.

خسرو روی پای بهزاد زد و گفت دوست نازنین گاهی واژگان زیبا توان رساندن معنایی را ندارند . آری . این گروه الیگارک از هر زشتی فروگذار نیستند و برای نگاه داری کرسی خود انسان ها را می کشند و

جمهوری دزدان ۶

می دزدند و به زندان می کشند و آماده اند تا حتا زنان خود را بدهند
امام زمام و زمام داری را از دست ندهند. پس به راستی آن ها الیگارک
های قرمساخ هستند . رأی و انتخابات تا این که زمام دار را جا به جا
نکند و تمامی تشکیلات زمام داری را دگرگون نسازد اساسن پوچ و بی
معناست . در همین راستا در جمهوری دزدان گروه الیگارک با در
اختیار گرفتن نان مردم آن ها را همانند بادبادک در هوا می چرخانند.
در جمهوری دزدان که به راستی از درون الیگارشی قرمساخان است
تمامی پست ها و نهادهای تشکیلات زمام داری میان گروهی اندک که
شمار آن ها آشکار است دست به دست می چرخد و آن کسی که
امروز ریاست نهاد قانون گذاری را در اختیار دارد دو سال دیگر به
همراه رییس نهاد داوری و چندی دیگر از قماش خود کاندیدای پست
زمام داری می شوند و مردم نیازمند نان به آن کسی که وعده های

جمهوری دزدان ۷

چرب تری می دهد رأی می دهند و یکی از این چند نفر با رأی مردم زمام دار می شود و به عنوان فرد نخست کشور زمام امور را در اختیار می گیرد. در همین گیر و دار زمام دار پیشین یکی از پست ها و نهادهای بالای تشکیلات را در اختیار می گیرد. البته همین زمام دار پیشین هم برای دراختیار درآوردن یکی از نهادها تمانن بازی های سیاسی را با چهره ی دموکراتیک بازی می کند و نهاد دلخواه را به چنگ می آورد تا که شاید پس از دوره یی دوباره پست و نهاد زمام داری را در اختیار خود درآورد. این چرخه ی " دل بر جانان " پیوسته انجام می گیرد و پست ها و نهادهای تشکیلات زمام داری دست به دست میان این گروه فرومایه می چرخد و " نوای کاسه گر " به نوای " کاسه لیس " دگرگون می شود.

جمهوری دزدان ۸

سیاوش گفت ای خسرو. سران این جمهوری پیر و فرسوده خواهند شد و سرانجام خواهند مُرد. پس از این همه فریب و بازی دروغین دموکراتیک سرانجام زمام کشور و تشکیلات زمام داری در اختیار مردم جای خواهد گرفت.

خسرو گفت سیاوش مگر ساده یی؟ این ها به راستی فرومایه و قرمساخت هستند و نه این که من بر اساس کین و نفرت خواسته باشم قرمساخت خوانده باشمشان. شالوده ی این جمهوری براساس نالوتی گری برپای شده است. این دزدان جمهوری دار فرزندان و دست پرورده های خود را برای جانشینی و در اختیار گرفتن پست ها و نهادهای تشکیلات زمام داری آموزش می دهند و تربیت می کنند و رفته رفته و به مرور یک به یک این جگر گوشگان دزد که اربابان آینده ی جمهوری هستند را به لایه های تشکیلات جمهوری وارد می کنند تا

جمهوری دزدان ۹

همانند " لاروهای موربانه " اندک اندک در لانه رشد کنند و در گذر زمان به حشراتی کثیف و نابودگر تبدیل شوند.

سیاوش گفت در آخر چه؟ آیا خواهند توانست جاودان این دور کثیف را ادامه دهند و زمام داری و نهادهای تشکیلات زمام داری را دست به دست میان خود بچرخانند و با بالا رفتن سن آن را به فرزندان و دست پروردگان خود بسپارند؟

خسرو گفت کور خوانده اند. این دور کثیف دیری نمی پاید. به دور از آن چیزی که سران بی مایه ی این جمهوری می نمایانند و فریاد برمی آورند عمر این جمهوری کوتاه است. هنوز دو نسل سپری نشده که نشانه های مرگ این جمهوری نمایان می شود و پس از مدت زمانی اندک " جمهوری فرومایگان " می میرد و فرو می ریزد. این جمهوری ها همانند خانواده های پادشاهی کشور مصر هستند. فرعون ها برای

جمهوری دزدان ۱۰

این که دیگر خانواده ها و اهالی کشور مصر در زمام داری با آن ها هم بهره نشوند خون خود را برتر از خون مردم می نامند و نژاد خود را به خدایان می رسانند. اما این یاوه گویی ها و کژ رفتاری ها باعث می شود تا به علت وارد نشدن خون دیگران در خون خانواده ی پادشاهی خون خانواده ی فرعون دچار یکسان گردی شود و نیروی خود را از دست بدهد و در گذر زمان انسان هایی نحیف و شکننده وارث خون فرعون ها باشند. جمهوری دزدان هم سرنوشتی بهتر از خون نژاد فرعون ها نخواهند داشت.

پس از این که خسرو کف دستانش را بر زانوانش کوبید سیاوش گفت کجا؟ هنوز برای نیم روز زمان داریم. من پرسشی دیگر هم دارم. خسرو گفت باشد. خوب است. من هم برای رفتن شتابی ندارم. سیاوش گفت خوب. اکنون که هوای این آسیاب جانت را می نوازد و

ناقوسی هم نمی نوازد پس بیا تا درباره ی آن پیش نهادهایی که برای همبستگی هر چه بیش تر انسان ها به پادشاه ما کوروش داده یی و خواسته یی در گاه شمار روزهایی را ویژه و پاس بدارد سخن بگوئیم. خسرو بالحنی سلانه سلانه گفت باشد. اما نمی دانم از کجا آغاز کنم. آها . به کورش پیش نهاد داده ام تا برای بزرگ داشت انسان و برای همبستگی انسان ها سه روز از روزهای سال را به نام سه چهره ی بزرگ تاریخ نام گذاری کند و در گاه شمار بگنجانند.

سیاوش با وجد گفت این سه چهره کیستند؟

خسرو گفت شت زردتشت و شت بودا و شت ابراهیم.

سیاوش گفت آه چه نیک. چه نیک. پس آن روزها که باید به نام این

سه بزرگ نام گذاری شوند کدامند؟

جمهوری دزدان ۱۲

خسرو گفت سومین سه شنبه از خردادماه به نام بودا نام گذاری می شود و سومین سه شنبه از مهرماه به نام زردتشت نام گذاری خواهد شد و سومین سه شنبه از دی ماه هم به نام ابراهیم خواهد بود.

سیاوش گفت آفرین. آفرین بر تو باد. چه خردمندانه. به خوبی می بینم که چه نکات ارزنده و بزرگی را برای این نام ها و نام گذاری ها در سر پرورانده یی و چه گونه نکات ریزی را از یاد دور نداشته یی .

خسرو گفت خواسته ام تا این سه انسان بزرگ نه تنها با نام مرد خدا بلکه با نام سه انسان دوست و آزادی خواه بزرگ پاس داشته شوند.

خسرو پس از مکثی افزود ما باید برای آزادی بجنگیم و نه برای انسان. چون که انسان چیزی نیست مگر آزادی. اگر برای انسان بجنگیم دوباره برای آزادی خواهیم جنگید. آزادی روح تاریخ انسان است. اما انسان روح تاریخ آزادی نیست. آن گاه که ما برای آزادی می جنگیم برای

انسان جنگیده ایم. اما آن گاه که برای انسان می جنگیم الزامن برای آزادی نجنگیده ایم. ولی آزادی دارای این توان و فراگیری هست تا تمامی جنبه های زندگی فردی و گروهی و مینویک انسان را در گستره ی زمان و تاریخ پوشش دهد. با دریافتن این راستی که هیچ یک از دارایی ها و خواسته های نوستالوژیک انسان حتا به پای آزادی هم نمی رسند باید روزی جهانی را ویژه ی آزادی این گران مایه ترین داشته و خواسته بدرسیم.

سیاوش گفت ای خسرو تو چه روزی را برای آزادی در سر داری و پیش نهاد داده یی؟

خسرو گفت نوستالوژی بزرگ انسان در درازای تاریخ نبود آزادی است. در درازای تاریخ آزادی خواهان بسیاری برای آزادی قد برافراشته اند و این انسان ها بسیار مورد ستایش و بزرگ داشت انسان ها هستند

جمهوری دزدان ۱۴

و برای برخی از آن‌ها روزهای جهانی را ویژه داشته ایم. اما برای خود آزادی که این همه مورد خواست و ستایش انسان در درازای تاریخ بوده روزی جهانی را ویژه نداشته ایم و در گاه شمار انسان روزی جهانی به نام آزادی وجود ندارد.

پس از اینکه خسرو مکتی کرد سیاووش که بسیار به وجد آمده بود گفت آفرین. آفرین. اما هنوز پاسخ مرا نداده‌یی.

خسرو گفت براساس و با در نگر داشتن سنجه‌های زمان (ماه و فصل‌های سال) و مکان (جای‌جای کره‌ی زمین و همه‌ی کشورهای جهان) و روزهای هشتگان (تعطیل) تمامی کیش‌ها سومین سه‌شنبه از او‌ردیبهشت ماه را برای روز جهانی آزادی پیش‌نهاد می‌کنم.

سیاووش گفت چرا سومین سه‌شنبه را برگزیده‌یی؟

خسرو گفت همین گونه که خود می دانی در فرهنگ ما ایرانیان شمار سه نماد اوردیبهشت است که به معنای بهترین و بالاترین راستی و پاکی است . سومین سه شنبه از اوردیبهشت ماه برای تمامی کشورهای جهان زمانی مناسب از جنبه ی آب و هوایی خواهد بود.هم چنین با در نگر داشتن روز هشتگان تمامی کیش ها سومین سه شنبه از اوردیبهشت ماه را برای روز جهانی آزادی پیش نهاد می کنم. با این پیش نهاد نخواستہ ام روز جهانی آزادی با روز هشتگان هیچ یک از کیش ها یکی باشد تا پدید آورنده ی دوستی برخی و دشمنی برخی دیگر شود.

تا آنجا که به یاد دارم پس از این سخنان خسرو دیگر سخن ویژه یی میانمان رد و بدل نشد و بیش تر سخنان شوخی بود و خوش و بش تا این که ناقوس پرستش گاه عیسایی ها نواخت.